

آوازه بزرگان علوم پزشکی همچون ابوعلی سینا، زکریای رازی، فارابی و غیره، پیوسته چون نگینی بر تارک تاریخ و فرهنگ می‌درخشد. زیرا آگاهی آنان از علوم ریاضی، فلسفه، ادبیات، نجوم و پزشکی برکسی پوشیده نیست. این، نمونه‌ای کوچک از شمار بسیار دانشمندان سده‌های گذشته است که آثارشان کمابیش به یادگار مانده است. اگر دیگران نیز تجربه‌های خود را می‌نگاشتند، آنها هم جاودانه می‌ماندند. دایره علوم آن زمان، در حدی بود که هر انسان در مدتی کوتاه از عمر خود می‌توانست آنها را بیاموزد؛ ولی حال چطور؟ فناوری و علوم به‌خصوص دانش پزشکی در دهه‌های اخیر آن چنان پیشرفت کرده که عمر کوتاه انسان نه‌تنها برای آموختن آن بسنده نمی‌کند بلکه برای فراگیری یکی از رشته‌های پزشکی نیز کافی نخواهد بود. دانش پزشکی روز به روز منشعب می‌شود و هر شاخه‌ای به شاخه‌های کوچکتر تقسیم می‌گردد تا قابل آموختن برای فراگیران دارای محدودیت سنی باشد. از سوی دیگر، از هدف اصلی که همان جامع‌نگری پزشکی در امر درمان است، دور می‌گردد. لذا به نظر می‌رسد که پزشکان جامع‌نگر (پزشکان عمومی) به عنوان هدایت‌کننده اولیه بیماران، از نیازهای اصلی تیم پزشکی هستند که شامل رشته‌های مختلف تخصصی و فوق تخصصی می‌شود. به عبارت دیگر، درمان بیمار با همکاری تیم جامع فوق امکان‌پذیر است نه توسط یک متخصص یا فوق تخصص. اینجاست که ضرورت کار گروهی معنا پیدا می‌کند و آینده جامعه پزشکی به سویی باید برود که به جای نام یک پزشک، نام گروه پزشکی در اذهان عمومی حک شود.

حال اگر این گروه پزشکی بخواهد همراه با پیشرفت علم پیش برود، باید برای مطالعه مقاله‌ها و کتاب‌های جدید و شرکت در کنگره‌ها و کارگاه‌ها وقت کافی داشته باشد، با روش فعلی که بیشتر وقت این افراد در مطب می‌گذرد، امکان‌پذیر نخواهد بود. همین است که پس از مدتی احساس عقب‌ماندن از قافله علم دارند و با بودن رقبای تازه‌نفس و آگاه، باید کم‌کم از جرفه پزشکی خود را کنار بکشند و این، در حالی است که در مدت طبابت خود، آموخته‌ها و تجربیات ارزشمندی به‌دست آورده‌اند که پزشکان جوان از آنها بی‌بهره‌اند و چه‌بسا با انتقال آن تجربیات، بتوانند هم به پیشرفت جرفه کمک کنند و هم با ثبت آنها به صورت مقالات و نوشتارهای علمی، در تاریخ ماندگار شوند.

از آنجا که زبان بین‌المللی و رسمی پزشکی انگلیسی است البته باید به یاد داشت که این زبان، از گذشته‌ای دور، از زبان فارسی به عربی و سپس فرانسوی و آنگاه به انگلیسی تغییر یافته است و از سوی دیگر، روش نگارش علمی نیز نیازمند آموزش است، همکاران باتجربه جرفه پزشکی کشورمان، از بیان یا نوشتن تجربه‌های گران‌بهای خود منصرف می‌شوند، در صورتی که شاید تجربیات آنها در دنیا کم‌نظیر باشد و خود بارها شاهد این چنین پزشکان پیشکسوتی بوده‌ایم و چه‌بسا مقالاتی در مجلات معتبر پزشکی چاپ شده که دانشمندان ما سال‌ها قبل تجربه نموده و بکار گرفته‌اند. ولی از آنجا که چاپ نشده و به ثبت نرسیده، افتخارش برای شخص، گروه یا کشوری است که آن را در قالب مقاله ارائه کرده است. اگر همکاران با تجربه و فرهیخته، تجربیات خود را ارائه دهند، بی‌گمان در تمام مجلات معتبر نمونه خواهد شد و این امر، انگیزه‌ای بود تا این دانشنامه را به ثبت برسانیم و در اختیار عزیزان قرار دهیم. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود به میدان بیایند و با خود آشتی نمایند و دیگران را از تجربه‌های خویش بی‌بهره نگذارند.

دکتر ابوطالب صارمی

رئیس مرکز تحقیقات صارم